■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۹۷ ■ شنبه ■ ۱۷ دی ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۱ | اذان مغرب ۱۷/۲۷ | نیمه شب شرعی ۲۳/۲۶ | اذان صبح فردا ۵/۴۵ | طلوع آفتاب فردا ۷/۱۵

سخن روز

پیامبر اکرم(ص):
صدقه دهید و مریضان خود را با صدقه درمان کنید.
کنزالعمال، ج۶، ص۳۷۱

شکل شنیده شدن موسیقی توسط مردم تغییر کرده است

سامان احتشامی: انتشار یک اثر موسیقایی در صفحات مجازی هنرمند به سرعت انجام می‌شود، ولی اگر بخواهیم از راه قانونی و اخذ مجوز اقدام کنیم زمان زیادی می‌گذرد و به همین دلیل است که موسیقی نمی‌تواند هم پای شرایط اجتماعی پیش رود.نکته دیگر اینکه باید بپذیریم که کارهای خلاقانه کم شده است و بیشتر کارهایی که می‌شنویم سفارشی هستند و به همین دلیل موسیقی هیچ وقت به روز نیست.

از طرفی شکل شنیده شدن موسیقی توسط مردم تغییر کرده و همه به راحتی هر اثری را که بخواهند دانلود می‌کنند و با یک کلیک ساده تمام آهنگ‌های جهان برای مردم پخش می‌شود. متأسفانه در کشور ما فرهنگ‌سازی نشده است و کسی به این فکر نمی‌کند که دانلود غیرقانونی، دزدی محسوب می‌شود. بازار موسیقی دگرگون شده و همه انتشارات موسیقی سردرگم شده‌اند به همین دلیل است که اثر صوتی مانند گذشته تولید نمی‌شود و بیشتر هنرمندان آثار خود را به صورت تک ترک به گوش مخاطبان می‌رسانند. براین اساس هنرمندان موسیقی از راه این هنر نمی‌توانند درآمدی کسب کنند زیرا در حال حاضر آلبومی منتشر نمی‌شود و در خوش بینانه‌ترین حالت فقط سالی یک بار به صحنه می‌روند در نتیجه این هنر دچار افت شدید شده است.

بخشی از صحبت های این نوازنده پیانو و مدرس موسیقی با ایلنا

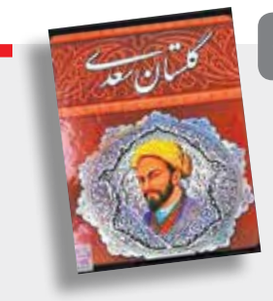

حکیمی را پرسیدند: از سخاوت و شجاعت کدام بهتر است؟ گفت: آن که را سخاوت است به شجاعت حاجت نیست.

گلستان سعدی- باب اخلاق درویشان

نـــگاره
کیان رادپویان

خطر مسمومیت

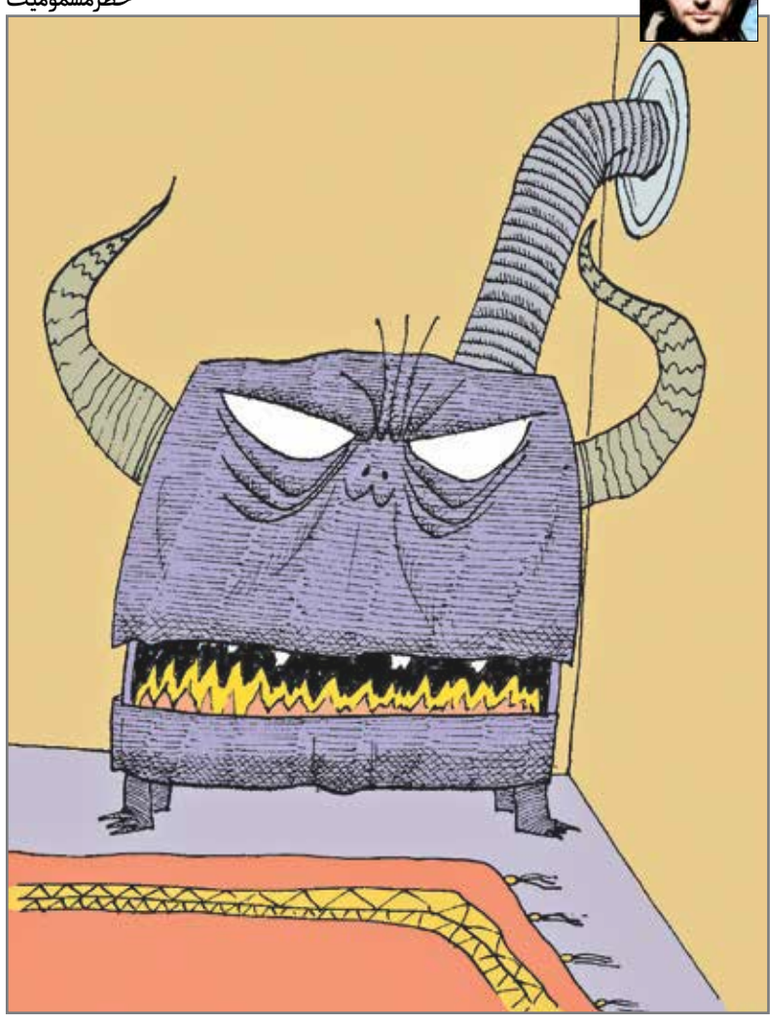

ماجراهای خانم آقای او

استحمامیه...

طنز

ریحانه ابراهیم‌زادگان
شاعر و طنزپرداز

اهل هر نسلی مدعی است نسل سوخته محسوب می‌شود لاکن منحصراً بر اثر مرور آداب و مناسک استحمام، بینه موجه مهیا شده سوخته ترینشان مسجل می‌شود.

ماسبق منازل حمام نداشتند، خزینه بود، جمعیتی جمع می‌شدند دور هم، یک نیمروز به امر طهارت می‌گذشت. خانجون خدابیامرز نقل می‌کرد مردم تغار اطعمه و میوه و هر قسم مأکولات میسر بود ملازم می‌کردند. آواز خوانده گپ می‌زدند. انار آبلمبو و آش ماست تعارف می‌کردند، هر بزرگتری چهار پنج تا طفل صغیر ملازم کرده، دور هم به بازی و شیطنت-شرارت می‌گذراندند، می‌رسیدند منزل شام خورده نخورده می‌خزیدند زیر پتو خود بلانسبت کأنه میت خواب می‌رفتند. الحق‌وصف و استماعش مطبوع طبع است، ما که رؤیت نکردیم لاکن وصف‌العیش نصف‌العیش، به گفتنش کیفور می‌شویم.

■ **اطفال امروزی هم اوصافشان مبرهن است**

ننه بابا، کأنه گمارده‌های شمس‌العماره حمام گرم و سخریه لودگی ادا اصول لیف گیاهی و قطیفه نرم الیاف و اسکراب اولاد پیش پیش مهیا کرده حمام به اردک زرد پلاستیکی مزین می‌کنند، کوفت و زهرمار و شامپوی خارجکی مجهز به اتیکت «چشم را نمی‌سوزاند» پس کله اولاد زده یک توپک‌هایی اغرب و اعجب، کوکتل حمام نام، می‌اندازند حاق وان پر از آب، کف کرده مناظر محیرالعقولی پدیدار شده اسباب و ادوات جهت تفننشان فراهم است. پسین استحمام، انواع و اقسام روغن و لوسیون و عطر و ادکلن خارجکی استعمال می‌کنند. مشاطه علیحده می‌آورند بالاسر اولاد، خداتومن خرج کله شازده می‌کنند. القصه احوالشان کم از اوصاف حالات پادشاهی ندارد. القصه این نسل اگر بزرگ شده و تقریر کردند نسلمان سوخته، به سیخ برشته داغشان بزنید سوختن ملتفتشان کنید.

■ **حاق نسل‌ها، ما مستقریم، اوصاف استحمام‌مان اغرب از همه**

ته حیاط خانه خانجون حمامی بود خوفناک، به هیبت افسانه‌های دیو و جن و پری، بوی غریبی داشت، بوی داثر و کهنه صابون و حوله نم‌دار. درش جز به ضرب لگد و پاسار مفتوح نمی‌شد. یک پله بالا می‌رفتیم سکوبی داشت دور از جان به قاعده تخت مرده شور خانه؛ سگ سرمای زمستان، مارا می‌نشاندند روی طاقچه، کمرمان بی‌حس می‌شد در اثر برودت می‌سوخت! شامپوی تخم مرغی صابون مراغه روی سروکله‌مان خالی می‌کردند می‌افتادند به جانمان؛ تو گویی تشت رخت چرک است جهت چنگ زدن! مردد می‌ماندیم چشم ببندیم از سوزشش پرپر نزنیم یا پرپر بزنیم و ترصد کنیم سوسک پردار ور گرده‌مان نزول اجلال نکند! این کچلی بی‌صاحب مانده که افتاده به جان نسلمان، به جهت همین مرحله استحمام است، اینکه به سبب فشار سرشویی است یا خوف و هول و ولای سوسک‌پردار، توفیر نمی‌کند، مع‌الوصف نتیجه همان است که فرمودیم.

از شامپو که خلاصی می‌یافتیم، نوبه دباغی به تدبیر کیسه و سفیدآب بود. خیالمان این نوبه به طرق غیر معقول کش می‌آمد تمام نمی‌شد. اول کار صبوری می‌کردیم بلکم به خیر بگذرد لاکن هرچه صبوری ما بیشتر، وسواس حمام کننده بیشتر! به سیاق سمباده نجاری پوست را رنده می‌کردند، پوست که می‌سوخت و می‌رفت گوشت می‌ماند، پیش از راه افتادن خون، دست برمی‌داشتند.

آوانس مرتبه پسین منتسب به سنگ پا بود؛ ما که به جهت حساسیت علیحدة اللهی در حواس پنجگانه بالاخص لامسه به غایت تیز و هوشیاریم از این فقره به‌عنوان ابزار شکنجه یاد می‌کنیم، آدم در می‌ماند حالاتی عارض شده خنده و خوشی است یا ترس و واهمه. قلقلکمان می‌آمد، لاکن اندک ری اکتی مقارن سرخوردن و سقوط از تخت مرده شورخانه بود و قطع نخاع! استخوان پاشنه که پدیدار می‌شد و می‌سوخت! استحمام خاتمه می‌گرفت.

پسین ورود حمام به اندرونی، خاطره مشترک نسلمان بستن آبراه بود به توهم صنع استخر، عقلمان قد نمی‌داد آب از راه آب خروج نکند، تحت در دزدکی میفتند به جان فرش لاکی خانه و وامصیبتا. خوش شانس ترها از پسر شجاع و خاله ریزه عصر محروم می‌شدند می‌سوختند و بدشانسهامان حاق نوش جان فرمودن کتک می‌سوختند و فی النهایه، می‌سوختیم و متنبه نمی‌شدیم! مشاطه هم که به طفل صغیر روا نبود، یک کاسه مسی بمی‌داشتند می‌گذاشتند صدر سرمان به جهت مقیاس و معیار، دورش را اصلاح می‌کردند در نمی‌آمد کل سر را می‌تراشیدند می‌گفتند ایکیوسان شدی، گول می‌خوردیم ذوق مرگ می‌شدیم. فی‌الحال از این فنون برای نسل امروزی بزنیم پوزخند حواله‌مان می‌کنند زمین و زمان به هم می‌دوزند.

فی‌الحال از پس استناد و مدالیل، وجدانتان قاضی، کدام نسل ته گرفت سوخت؟

جوایز ادبی در ایران و چالش‌های پیش‌رو

کلمه

علی‌الله سلیمی
نویسنده و منتقد ادبی

کتاب‌های حوزه ادبیات بعد از انتشار می‌توانند از چند امکان بالقوه برای بهتر دیده‌شدن در بازار کتاب و اعتبار بخشیدن به جایگاه نویسنده کتاب به‌عنوان خالق اثر ادبی بهره ببرند که یکی از آن‌ها، برگزیده شدن در جشنواره‌ها و جوایز ادبی است که می‌تواند شانس تجدید چاپ‌های مکرر و برای مدتی در صدرِ خبرهای رسانه‌ها قرار گرفتن را برای کتاب برگزیده به ارمغان بیاورد. اعتباربخشی مضاعف به جایگاه نویسنده در جامعه ادبی از دیگر امتیازات برگزیده شدن این کتاب‌ها در رویدادهای ادبی است. البته کیفیت و اعتبار این جوایز ادبی هم در موفقیت اثر برگزیده مؤثر است؛ به همان اندازه که جایزه اهدایی از اعتبار و جایگاه فرهنگی و هیأت علمی بالایی برخوردار باشد به همان اندازه می‌توان برای موفقیت کتاب برگزیده در مراحل بعد از کسب جایزه امیدوار بود. برای اعتبار بخشیدن به یک جایزه ادبی هم عوامل متعددی دخیل هستند که مهم‌ترین آنها، استقلال فکری هیأت داوران و پرهیز از برخوردهای سلیقه‌ای است که اگر لحاظ شود، جایگاه و اعتبار جایزه به مراتب بالاتر می‌رود. این جوایز در ایران و جهان معمولاً به دو شکل دولتی و خصوصی برگزار و مدیریت می‌شود که در بخش دولتی، نهادهای فرهنگی که به نوعی وابستگی مستقیم یا غیرمستقیم با دولت‌ها دارند، متولی طرح و برنامه و اجرای آن هستند. در بخش خصوصی هم، انجمن‌های ادبی، بنیادهای فرهنگی و جمعیت‌های خیریه و در مواردی هم مراکز فرهنگی و انتشاراتی و حتی افراد مستقل با هدف پاسداشت یاد و نام برخی چهره‌های فرهنگی و ادبی متوفی به این حوزه ورود می‌کنند که متأسفانه عمر اغلب این جوایز در بخش خصوصی کوتاه است و بعد از مدتی به دلایل گوناگون متوقف شده و به فراموشی سپرده می‌شود. در مقایسه با جوایز بخش خصوصی، جوایز بخش دولتی معمولاً عمر طولانی دارند و گاه چند دهه دوام می‌آورند و اغلب با تغییر دولت‌هاست که سیاست‌های فرهنگی هم ممکن است تغییر کند و در چنین شرایطی است که احتمال توقف جایزه‌ای که در دولت یا دولت‌های قبلی بنیانگذاری شده و با سیاست‌های فرهنگی دولت جدید همخوانی چندانی ندارد، دچار تغییر یا توقف می‌شود و به این شکل، عمر آن جایزه ادبی هم به پایان می‌رسد. با این حال، در کشور ما هم مانند دیگر کشورهای جهان که به موضوع فرهنگ و محصولات فرهنگی از جمله «کتاب» بها داده می‌شود، راه‌اندازی جایزه‌های ادبی و انتخاب کتاب‌های برگزیده سال در دهه‌های اخیر، بویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رو به رشد داشته و در طول بیش از چهار دهه که از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد، جشنواره‌ها و جوایز ادبی متعددی در فواصل زمانی مختلف راه‌اندازی و برگزار شده که برخی از آنها متأسفانه عمر کوتاه مدتی داشته‌اند و تنها تعداد معدودی از این جوایز ادبی عمر نسبتاً طولانی مدتی را تجربه کرده و تا به امروز هم دوام آورده و در شرایط اقتصادی فعلی جامعه و بازار کتاب ایران همچنان برگزار و هر سال کتاب‌های برگزیده را معرفی و از نویسندگان آنها تجلیل و قدردانی می‌کنند. از جمله، جایزه ادبی جلال آل‌احمد، جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، جایزه قلم زرین و جایزه ادبی شهید حبیب غنی‌پور که همگی عمر طولانی بیش از یک دهه دارند و از میان آن‌ها، جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۶۲ برگزار می‌شود و عمر نزدیک به چهار دهه دارد. اما تأثیرگذاری این جوایز بر موقعیت کتاب‌های برگزیده در بازار کتاب و همچنین جایگاه ادبی نویسندگان این آثار، موضوعی است که با تأمل بیشتری می‌توان بر آن دقیق شد و نگاه کرد. واقعیت امر آن است که انتظارها از پیامدهای اهدای این جوایز بر کتاب‌های برگزیده چندان برآورده نمی‌شود. در مواردی با گذشت یک سال از اهدای یک جایزه ادبی، کتاب برگزیده حتی به چاپ جدید هم نمی‌رسد و این همان پاشنه آشیل جوایز ادبی در ایران است که باید به طور دقیق و کارشناسانه بررسی و موشکافی شود که چرا در مواردی انتظارهای حداقلی از کسب یک جایزه ادبی آن طور که باید و شاید برآورده نمی‌شود. آسیب‌شناسی، ریشه‌یابی و برطرف کردن موانعی که سر راه موفقیت این جوایز ادبی قرار دارند، می‌تواند اثربخشی آنها را بیش از پیش کرده و اعتبار مضاعفی به این حرکت‌های فرهنگی مؤثر در امر کتاب و کتابخوانی ببخشد.

شرح خواندنی مبارزات زنی انقلابی

پیشنهاد

«خانه‌دار مبارز» خاطرات شفاهی یکی از زنان مبارز مشهدی در دوران انقلاب اسلامی کشورمان است؛ کتابی که به همت مرضیه ذاکری و از سوی انتشارات «راه‌یار» در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. آغازگر کتاب مقدمه‌ای نیم‌صفحه‌ای و البته تصویری از دست‌نوشته راوی «خانه‌دار مبارز» است، سیده‌اقدس حسینیان در این نوشته توضیح داده که خاطرات مندرج در این اثر تنها درباره خودش نیست و می‌تواند یادآور ماجراهایی باشد که او و دیگر افرادی را که در مبارزه با رژیم پهلوی همراهش بوده‌اند، زنده کند. وی یادآوری کرده که بی‌تردید زنان در انقلاب اسلامی و پیروزی آن نقش مهمی ایفا کرده‌اند و در ابعاد مختلف، از جمله حوزه‌های سیاسی و انقلابی اقداماتی سرنوشت‌ساز انجام داده‌اند. مبارزه، فعالیت‌های مخفیانه، تعقیب و گریز، زندان، شکنجه و... همیشه موضوعات جذاب و پرکششی در بیان تاریخ انقلاب اسلامی بوده و هستند. در این بین جذابیت این قبیل مطالب زمانی دوچندان می‌شود که بفهمیم قرار است یک زن راوی آنها باشد. این دقیقاً همان نکته‌ای است که مرضیه ذاکری را وسوسه کرد تا سراغ زنی همچون سیده‌اقدس حسینیان برود؛ زنی که با وجود دوران سختی که پشت‌سر گذاشته هنوز هم علاقه‌مند رصد خبرهای سیاسی و البته طرفدار جدی کتاب و کتابخوانی است.

تمام مطالب این کتاب مستند و حاصل ساعت‌ها مصاحبه و گفت‌وگو با راوی «خانه‌دار مبارز» است، آن هم بدون هیچ دخل و تصرف محتوایی. حسینیان در سال‌های دور جوانی و در آستانه انقلاب عضو تیم مهدی فرودی بوده، گروهی که با عنوان «ستاره اسلام» فعالیت می‌کرده‌اند. هرچند وی در همان نخستین جلسه دیدار با نویسنده کتاب تأکید می‌کند که تنها نگرانی‌اش، نقطه اتصال این گروه در مقطعی با سازمان مجاهدین خلق است. البته بعضی دوستان ونزدیکان شهید فرودی نمی‌خواستند هیچگونه ارتباطی با سازمان را به او نسبت دهند. خود حسینیان هم طی مصاحبه‌ها آن را انکار نکرده، هر چند که آن را هم به معنای تأیید کامل سازمان از سوی شهید فرودی نمی‌دانست؛ به‌خصوص پس از مسأله تغییر ایدئولوژیک سازمان.

شهید فرودی بنابر مندرجات این کتاب، شخصیت پیچیده‌ای داشته و در راه مبارزه با حکومت شاه، همزمان با گروه‌ها و افراد زیادی مرتبط بوده است. علاوه بر این، مخفی‌کاری که اصل مهمی در مبارزه به شمار می‌آید اجازه نمی‌داده افراد به‌راحتی از افکارش باخبر شوند. شهید فرودی در این کتاب فقط و فقط از زاویه نگاه اقدس حسینیان دیده شده؛ چراکه این کتاب روایت زندگی و فعالیت‌های این زن مبارز است و شهید فرودی هم بخشی مهم و تأثیرگذار از آن به شمار می‌آید. با آنکه «خانه‌دار مبارز» کتابی کاملاً مستند به شمار می‌آید اما نکته قابل توجه‌اش برای علاقه‌مندان تاریخ شفاهی کشورمان این است که کتاب مذکور به روایتی خواندنی و به شیوه‌ای شبیه به ساختار نوشتاری آثار داستانی نوشته شده؛ مسأله‌ای که در آنکه خواننده را تا انتها پای کار بکشاند بی‌شک مؤثر خواهد بود.

خانه‌دار مبارز/ مصاحبه و تحقیق: زهرا احسن‌مقدم، مرضیه ذاکری
نویسنده: مرضیه ذاکری/ انتشارات راه‌یار

غول خشمت را بشناس!

یک فنجان حرف

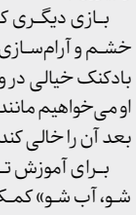

شهرزاد عبدیه
روانشناس

وقتی فرزندتان عصبانی می‌شود، چه می‌کنید؟ سعی می‌کنید او را آرام کنید؟ به خشمش می‌خندید و می‌گویید: «حالا مگه چی شده اینقدر عصبانی شدی؟ شما هم عصبانی می‌شوید؟»

همانطور که همه می‌دانیم عصبانیت یکی از احساس‌های کاملاً طبیعی هر انسان است و سن و سال نمی‌شناسد. به عبارتی همه ما حق داریم عصبانی شویم اما مسأله مهم این است که چگونه خشم خودمان را تخلیه می‌کنیم. متأسفانه حتی بسیاری از بزرگسالان هم مهارت کنترل خشم خوبی ندارند و در زمان عصبانیت به خودشان و سایرین آسیب می‌رسانند. پس در گام نخست، ما به عنوان یک بزرگسال و الگو باید خودمان مهارت کنترل خشم داشته باشیم و در گام بعدی از همان کودکی به فرزندمان این مهارت مهم را بیاموزیم.

قبل از هر چیز باید قبول کنیم که خشم یک احساس طبیعی است؛ آن را به رسمیت بشناسیم و وقتی فرزندمان به هر دلیلی عصبانی است آن را نه بزرگنمایی کنیم و نه نادیده بگیریم بلکه به او کمک کنیم عصبانیت را شناخته و بپذیرد.

آموزش در خصوص خشم و کنترل آن را می‌توانیم زمان‌هایی که فرزندمان آرام است در قالب گفت‌وگو و بازی به او یاد بدهیم. از حدود ۳ و ۴ سالگی درباره احساسات با فرزندمان صحبت کنیم و با او بازی احساسات راه بیندازیم. روبه‌روی آینه بنشینیم و چهره عصبانی به خودمان بگیریم و از او بپرسیم: «به نظرت من الان چه احساسی دارم؟» بعد از او بخواهیم شکلک عصبانی و خوشحال را در آورد، حتی می‌توانیم درباره اینکه در زمان عصبانیت از نظر جسمی چه چیزهایی را تجربه می‌کند حرف بزنیم و بگوییم: «من وقتی عصبانی می‌شوم، بدنم داغ می‌شود، قلبم تندتر می‌زند، دست هام رو مشت می‌کنم. تو چی؟»

وقتی بچه با خشم و نشانه‌های آن آشنا شد، نوبت تمرین کنترل خشم فرامی‌رسد. باید به او یادآوری کنیم که هر انسانی ممکن است عصبانی شدن یک احساس طبیعی است و مشکلی ندارد اما موقع عصبانیت نباید چیزی پرت کنیم، حرف ناشایست بزنیم یا کتک کاری راه بیندازیم. از طرف دیگر نباید عصبانیت خودمان را نادیده بگیریم و سرکوب کنیم، بلکه بهتر است اول خودمان را آرام کنیم و بعد در زمان مناسب درباره ناراحتی خودمان با فرد مقابل حرف بزنیم. تکنیک‌های آرام‌سازی (تنفس عمیق، تن آرامی، انجام یک فعالیت لذت‌بخش) را به فرزندمان بیاموزیم و با او تمرین کنیم. از او بپرسیم که بیشتر در چه موقعیت‌هایی عصبانی می‌شود و در آن لحظه چه فکری باعث خشمش می‌شود. یادمان باشد شناخت و آگاهی گامی بسیار مهم است.

می‌توانیم خشم را به یک غول تشبیه کنیم یا اسم دیگری روی آن بگذاریم و بگوییم: «هر وقت دیدی داری یواش یواش عصبانی می‌شوی و غول خشم دارد می‌آید؛ حواست را جمع کن و سریع چند تا نفس عمیق بکش. اینجوری نفست را توی سینه نگهدار و بعد انگارداری شمع کیک تولد را فوت می‌کنی، نفست را بیرون بده.»

بازی دیگری که می‌تواند به بچه‌ها در کنترل خشم و آرام‌سازی کمک کند، بادکنک خیالی است. بادکنک خیالی در واقع تمرین تنفس عمیق است. از او می‌خواهیم مانند بادکنک شکمش را پر از هوا کند و بعد آن را خالی کند.

برای آموزش تن آرامی هم می‌توان از «بازی یخ شو، آب شو» کمک گرفت. به او می‌گوییم: «وقتی احساس کردی‌داری عصبانی می‌شوی، خودت را مثل یخ منقبض و سفت کن و بعد عضلاتت را شل و رها کن.»

البته این تمرین‌ها و آگاهی‌ها نیاز به یادآوری دارد، بنابراین وقتی فرزندمان در موقعیتی قرار می‌گیرد که عصبانی می‌شود لازم است ما علاوه بر همدلی و پذیرش احساسش، به او تکنیک‌هایی یادآوری کنیم تا به مرور زمان بتواند خشم خودش را مدیریت کرده و به شیوه مناسبی بروز بدهد. نکته بسیار مهم این است که وقتی بچه موفق شد خشمش را مهار کند حتماً باید اجازه داشته باشد، درباره آن صحبت کند و اگر نیاز به حل مسأله و مشکلی هست به او در حلش کمک کنیم. او باید یاد بگیرد که اگر نباید موقع خشم، خواهر کوچکش را کتک بزند، پس باید چه رفتاری داشته باشد و چگونه باید خواسته خودش را مطرح کند.

فضای مجازی

یادی از محمدرضا لطفی موسیقیدان شناخته شده ایران، معرفی فیلم‌های تازه شبکه نمایش خانگی و انتشار کتاب جنجالی خاطرات شاهزاده هری از اخبار مجازی اهالی فرهنگ و هنر است که طی ساعت‌های گذشته منتشر شده است.

■ **یاد**

امروز شنبه ۱۷ دی ماه مصادف است با سالروز تولد محمدرضا لطفی، ردیف‌دان، موسیقیدان، آهنگساز، نوازنده برجسته تار و سه‌تار و کمانچه و همچنین پژوهشگر و مدرس موسیقی سنتی ایرانی. او از چهره‌های تأثیرگذار موسیقی ایرانی بود و با خلق آثاری چون «ایران ای سرای امید»، «کاروان شهید»، «برادر بی‌قراره» و «عشق داند» به میان توده مردم راه یافت. لطفی بنیانگذار کانون فرهنگی و هنری چاووش، گروه شیدا و مکتبخانه میرزا عبدالله بود.

او هنرمندان بسیاری از جمله مجید درخشانی، صدیق تعریف، حمید متبسم و حسین بهروزی‌نیا را تربیت کرد. لطفی تجربه همکاری با خوانندگانی چون تاج اصفهانی، غلامحسین بنان، محمدرضا شجریان و شهرام ناظری را داشت و همچنین خوانندگانی چون هنگامه اخوان، صدیق تعریف، محمد گلریز و محمد معتمدی، علیرضا شاه‌محمدی و امیر اثنی عشری را نخستین بار او به جامعه موسیقی معرفی کرد.

■ **نماو رسانه**

علاقه‌مندان شبکه نمایش خانگی می‌توانند فیلم‌های سینمایی «روز صفر» ساخته سعید ملکان، «پولاریس» به کارگردانی سودابه مرادیان و مستند «جزیره ماهی» ساخته رضا اعظمیان را در بخش اکران آنلاین پلتفرم‌های فیلیمو، نماوا و هاشورتماشا کنند.

فیلم سینمایی «روز صفر»، به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سعید ملکان برخلاف انتظارات نتوانست در گیشه نوروزی به موفقیت چشمگیری برسد و با گیشه ۹ میلیاردی از اکران خداحافظی کرد. روز صفر از تاریخ سوم تیرماه سال ۱۴۰۱ در نماوا اکران آنلاین شد. این پلتفرم با بیش از شش ماه اکران این فیلم سینمایی رکورد طولانی‌ترین زمان برای نمایش فیلم را در تاریخ اکران آنلاین از آن خود کرده است.

پولاریس به کارگردانی سودابه مرادیان و تهیه‌کنندگی کریستینا جولی و مهدی داوری و بهرام رادان از روز ۲۵ آذرماه در فیلیمو اکران آنلاین شده است. پولاریس یا ستاره شمال محصول مشترک ایران و امریکا و در شهرهای لس آنجلس، سیاتل و تهران فیلمبرداری شده است. جزیره ماهی همزمان با سالگرد عملیات کربلای ۴ (سوم دی ماه) در سایت هاشور اکران آنلاین شده و نمایش آن با توجه به استقبال قابل توجه، همچنان ادامه خواهد داشت. مستند «جزیره ماهی» به کارگردانی رضا اعظمیان تلاش دارد ماجرای کربلای ۴ و آنچه در آن رخ داده بدون کم و کاست به تصویر بکشد و به ابهام‌ها و پرسش‌هایی که درباره آن وجود دارد، پاسخ بدهد.

■ **تئاتر و صحنه**

در بخش اخبار تئاتر، قرار است نمایش «اهمیت ارنست بودن» کاری از مهسا چیذری از ۱۹ دی در تماشاخانه ارغوان روی صحنه برود. «اهمیت ارنست بودن» نوشته اسکار وایلد به ترجمه ایوب آقاخانی روایتگر زندگی دو دوست صمیمی در انگلستان است که هر دو برای خوشگذرانی خود دروغ‌هایی به خانواده می‌گویند اما در این بین ماجراهای عاشقانه‌ای برایشان پیش می‌آید که همه چیز را تغییر می‌دهد. این نمایش تا ۵ بهمن به مدت ۷۵ دقیقه در تماشاخانه ارغوان روی صحنه است.

■ **کتاب و ادبیات**

روزنامه گاردین در آستانه انتشار کتاب جنجالی خاطرات شاهزاده هری با عنوان «ذخیره» (Spare)، حالا کاریکاتوری در این ارتباط را هم منتشر کرده است. طبق بیانیه ناشر کتاب، شاهزاده هری کتاب خاطراتش با عنوان «ذخیره» را رسماً در دهم ژانویه سال ۲۰۲۳. یعنی چهار روز دیگر. منتشر خواهد کرد. با این همه بنا بر اعلام رویترز، نسخه‌هایی از این کتاب در اسپانیا، پنج روز قبل از تاریخ عرضه رسمی آن، به فروش رسیده است و مردم و مطبوعات در حال ربودن نسخه‌هایی از آن هستند. روزنامه گاردین هم در خبری اعلام کرد که نسخه‌ای از کتاب خاطرات شاهزاده هری را دیده است و در لابه‌لای این خاطرات او ادعا کرده که برادرش پرنس ویلیام در حمله‌ای فیزیکی، یقه‌اش را گرفته، گردنبندش را پاره کرده و او را به زمین انداخته است.

این کتاب در ابتدا قرار بود اواخر سال ۲۰۲۲ منتشر شود که به تأخیر افتاد. «هری» و همسرش «مگان» که با عنوان رسمی «دوک و دوشس ساسکس» شناخته می‌شوند، در اوایل سال ۲۰۲۰ از وظایف سلطنتی کناره‌گیری و به ایالات متحده امریکا مهاجرت کردند. کاریکاتور گاردین که توسط بن جنینگز کشیده شده است، واکنش پادشاه انگلیس به کتاب جنجالی خاطرات هری را نشان می‌دهد.

عکس نوشت

خبرگزاری ایرنا گزارش تصویری از باغشی‌ها (به ترکمنی خنیاگر) منتشر کرده و درباره آن نوشته باغشی‌ها حاملان سنت موسیقایی باغشی گری و شخصیت اصلی زندگی موسیقایی قوم ترکمن هستند و از آنها به عنوان نوازندگان موسیقی و خوانندگان ترانه‌های ترکمن یاد می‌شود. باغشی‌ها موسیقی سنتی ترکمن را که جزو ریشه‌دارترین موسیقی‌های جهان به شمار می‌رود، با الهام از زندگی روزمره مردمان خود می‌نوازند و در هیچ ضربی از آن قطعات موسیقی دیگر ملت‌ها راه نیافته است.